

هفت شهر

شهریار

دکتر سعید قره آغاجلو

نخست اینکه عشق شهریار در حقیقت عشق "حقیقت در مجاز" بود. به عبارت دیگر، عشق با اخلاص و پاک. خود استاد در این رابطه می فرماید:

... مخمور مجازم من سرمست حقیقت
تا جام پیایی دهی و رطل دمام.
من جرعه کش مفلس میخانه عشقم
باشد که به جامی نخرم کوکبه جم.
در قالب الفاظ من افزایش معنی است
تا پرتو دریا دهد این قطره شبنم.

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۳۳۶

دیگر اینکه از عشق مجازی برای رسیدن به عشق حقیقی فقط یک راه است و آن شکست و ناکامی است. تنها در این صورت است که دل عاشق شکسته و رقیق تر و صاف تر می گردد و زندگی اش خراب و خود مفلس روزگار می شود. در این حال راه به سوی حقیقت پیدا می کند و به گنج بقا می رسد:

خدا را جلوه ها باشد نهانی،
بلفظ اندر نگنجد این معانی.
گشایشها دمد در بستگیها،
توانایی تند در ناتوانی ...
به چشم دل خدا را بین، خدا را،
که با ما لطفها دارد نهانی.
خدا را جا به دلهای شکسته است،
دل بشکسته جو تا می توانی.

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۷۸

در تفسیر کشف الاسرار می خوانیم که "هر جا که خراب عمری است، مفلس روزگاری، ما خریدار اویم ... هر جا زارنده ایست از خجلی، سر فرو گذارنده ای از بی کسی، ما برهان اویم" ۳

بدین ترتیب شهریار قدم در راه حقیقت می نهد و با اخلاص و شب زنده داریهایش طریقت را طی می نماید و با شعر "همای رحمت" قدم به حلقه واصلان حقیقت می نهد.

خط و خالیندان آلیب مشقیمی قرآن بازارام
بو حقیقت له منی، اهل مجاز ائبله میسن

تو جگر گوشه هم از شیر بریدی و هنوز
من بیچاره همان عاشق خونین جگرم

پدرت گوهر خود را به زر و سیم فروخت
پدر عشق بسوزد که درآمد پدرم

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۱۲۳

سرگذشت شهریار و پری، داستانی دیگر از فرهاد و شیرین است و ناکامی وی از "خسروان پری بندی" که عناوینی مختلف از "پرویز" تا "فلان تاشها" در طول تاریخ چند هزار ساله داشته و تکیه بر اریکه های قدرت کرده اند.

این بُعد از شعر شهریار شامل اشعار است که از عشق آتشین او سرچشمه می گیرد. عشقی ناکام که به ترک مدرسه و تغییر مسیر زندگی او می انجامد و بنا به گفته خویش ۲ نخستین حب صنم را در دل خود می شکند، صنم دلربایی که سرآغاز شکست اصنام دیگر می گردد و مقدمه تجلی عشقی عرفانی و الهی. جبین بگشا که می بندیم از این غمخانه محلها چه خرم سرزمینهایی که در پیش است و منزلها. چه غم گر آب و گل سودا کنند از ما به جان و دل که بر خیزیم از گلهای و بنشینیم در دلها. وفایی نیست در گلهای منال ای بلبل مسکین کزین گلهای پس از ما هم فراوان روید از گلهای برو نور خدا کن دیده بان کشتی توفیق که کشتیها بنور دیده بان یابند ساحلها.

دیوان شهریار - ج ۲ ص ۶۳

۲. بُعد عرفانی شهریار:

معمولاً در مورد استاد شهریار بیان می شود که وی از عشق مجازی به عشق حقیقی رسید. در این رابطه چند مسأله قابل ذکر است:

اشعار شهریار را می توان در هفت بُعد مورد بررسی و تحقیق قرار داد:

۱. بُعد غنایی و لیریک ۲. بُعد عرفانی ۳. بُعد مقاومت در دوره پیش از انقلاب اسلامی ۴. بُعد حضور در صحنه های انقلاب اسلامی ۵. بُعد فولکلوریک ۶. بُعد ملی ۷. بُعد انسانی و عاطفی شاعر.

و اینک نگاهی کوتاه به هر یک از وجوه گوناگون شخصیت استاد در آینه آثارش می گردد.

۱. بُعد غنایی و لیریک

یکی از ویژگیهای سبک آذربایجانی از خاقانی تا امروز بر خلاف قصیده، سادگی کلام در غزلسرای است و اشعار غنایی استاد شهریار که بیشتر در قالب غزل می باشد، در بردارنده رقیق ترین و ظریف ترین احساسات است، شعری که شنیدن آن حتی برای هر فارس زبان درس نخوانده نیز قابل فهم و درک است و در آن زبان فراگیر و چند بعدی و ابهام آمیز غزل حافظ دیده نمی شود و به قیاس با آنها زبانی دارد ساده و همگانی. از قضا همین سادگی و عمومی بودن زبان و تعبیر یکی از موجبات رواج شهرت شعر شهریار است.^۱

یار و همسر نگرتم، که گرو بودم سرم

تو شدی مادر و من با همه پیری پسر